



نگاهی به مجله رادیو

● سیدحاج علی مهر

طبعاً انتشار نشر به تخصصی‌تر چنین فضای کاملاً مصون از افکت و خیم و هم بخورد از روند صعودی مستمر نیست و که دانسته‌های مجله رادیو باید به خود بی‌اند که در مدت انتشار ۲۹ شماره از این مجله گوشیده اند که این افکت و خیم را به حداقل برسانند و با جلب توجه عموم همکاران خود در رادیو به ضرورت کار نظری، بر تعداد شرکت کننده‌ها در این امر بیفزایند. تذکر برخی از موارد ناهماهنگی و انتقاد از فصل بندی شدن مطالب بر اساس ارزش محتوای مقالات نیز بخشی از مشارکت است، چرا که غفلت از این ضرورت، باعث می‌شود خواننده از تک تک نوشته‌ها و نویسنده‌ها توقعی پکسان داشته باشد و این

به رغم تجارب درخشان و ارزشمند همکاران ما در رادیو و تلاش‌های انجام گرفته برای افزایش دانش همکاران، توجه به تجارب جنبه‌های نظری کار رسانهای در ایران همواره تحت‌الشعاع توجه به تجارب عملی بوده است. در گذشته حتی تلاش برای استخراج نتایج نظری از تجارب عملی برجسته همکاران ما در صدای جمهوری اسلامی، از استمرار کافی برخوردار نبوده و انتشار ماهنامه علمی، تخصصی صدای جمهوری اسلامی مجله رادیو از جمله اقدامات مناسبی بوده که در سال‌های اخیر برای رفع این کاستی صورت گرفته است.

توقع یکسان طبعاً به فضاوتی کلی درباره همه مقالات مجله و سردرگمی، حسنگی و نتیجه گیری نامطلوب خواننده از مطالعه مجله و ادبیو منجر می شود و یازده مقالات علمی با ارزش مجله را تحت تأثیر ارزیابی خواننده‌ها از مقالات و متن های ضعیف قرار می دهد.

مثلاً ناماهنگی تفاوت ویرایش و محتوای این سه مقاله از شماره ۲۹ مجله و ادبیو موجب تنش ذهن خواننده می شود

- انگیزش و ادبیو، علی سیفی، صفحات ۲۳-۳۴

- انتخاب موسیقی مناسب برای رادیو، گیتی کاوه، صفحات

۶۱-۵۸

- لفظاً به جوون موسیقی بده، محمد پیوسته، صفحات ۸۱-

۸۲

این سه مقاله و متن نفتی که در مجموع بیش از یک پنجم محتوای مجله را اشغال کرده، به واسطه روپکرد حجم گرآینه، تفصیل بیش از اندازه مطلب، محتوای کلیشه ای و تکراری، نگارش از موضع عقل برتر، در آمیختن نقل قول‌ها با دیدگاه‌های نویسنده‌ها و برخوردار نبودن نویسنده‌ها از شناخت علمی و درک و تجربه و تمرکز کافی بر موضوع، عملاً کمک چندانی به افزایش دانش یا تعمیق توجه و تمرکز مخاطب نمی کند و کوتاهی گرداننده‌های مجله از چیدن مقالات بر اساس محتوا و ارزش آنها نیز موجب شده که هر یک از این نوشته ها بارافاصله قیل یا بعد از نوشته‌های غنی تر از خود قرار گیرند و در ارزیابی خواننده از آن مقالات یا آمادگی او برای مطالعه مقاله ارزشمند بعدی اثر منفی بگذارند.

مرزبندی دیدگاه‌ها

در مقاله شماره یک انگیزش و رادیو نویسنده با گرته برداری از مطالبی که در منابع مختلف دیده است و تلفیق دیدگاه‌های مطرح شده در این منابع به ضرورت‌ها و چگونگی ایجاد انگیزه در کارکنان و مخاطبان رسانه می پردازد.

سبک نگارش دو گانه و ضعف محسوس نویسنده در نگارش جملات نقل شده از منابع مختلف به خوبی نشان می دهد که بیش از ۷۰٪ از محتوای این نوشته نقل قول است، اما نویسنده با بهره‌ز یا کوهایی از تفکیک نقل قول‌ها و ذکر نشانی آنها در پانویس، علاوه بر نقض حقوق مؤلفان آن منابع، خواننده را نیز به سردرگمی و پلنگی‌های دچار می کند و شناسایی دیدگاه‌های خود و تفکیک این دیدگاه‌ها از دیدگاه مؤلفان آن منابع را ناممکن می سازد. نویسنده که حتی دقت علمی لازم را در گزین برداری به خرج نداده و گاه جملات کلیدی برگرفته از منابع را در کنار جملات کاملاً توضیحی و تکراری و در نتیجه خسته کننده قرار داده است، با اندکی دقت و تعهد بیشتر می توانست به تلفیق علمی تر نقل قول‌ها و استنادات دست یابد و با مرزبندی دیدگاه‌

های هر یک از نویسنده‌ها سه منبع مورد استفاده، در به کاربردن جملات شخصی خود که عملاً کاری جز پیوستن نقل قول‌ها به یکدیگر انجام نمی دهند، نیز سلیقه بیشتری به خرج دهد. در این صورت محتوای مقاله وی به کمتر از نصف کاهش می یافت و میزان اثرگذاری آن چند برابر می شد و مهم تر از آن، خواننده نیز به راحتی می توانست دریابد که مقصود و پیام و پیشنهاد علمی و عملی نویسنده که دستاورد تلاش اوست، چیست.

جملات اندرزگونه

در مقاله شماره دو انتخاب موسیقی مناسب برای رادیو نویسنده مطالبی بیان می کند که به وضوح نشانه بی توجهی وی به میزان دانش و درک و تجربه مخاطبان خویش، به ویژه تهیه کننده‌های رادیو است. به علاوه محتوای مطلب و لحن نویسنده به خوبی مشخص می کند که او علاوه بر کم تجربه گی، و بی اطلاعی از موسیقی و در نتیجه شنازدگی برای ارائه دانسته‌های خود، توفیق حضور در موقعیت حساس انتخاب موسیقی برای برنامه‌ای را نداشته باسپار کم در چنین موقعیتی قرار گرفته است.

برای هر نویسنده بسیار حائز اهمیت است که در نخستین گام برای جذب مخاطب به گونه‌ای بنویسد که به خواننده احساس توهین به فهم و درک و دانش خود دست ندهد. علاوه بر این، نویسنده برای جلب احترام و توجه مقابل خواننده، به ویژه در هنگام بیان مطالب علمی، به شدت نیازمند قراردادن خود در جایگاه خواننده است و در این مورد خاص که مخاطبان اصلی مقاله، تهیه کننده‌های برنامه‌های رادیو هستند، نویسنده لائق می باید در مدت تلاش برای نگارش مقاله خود ساعتی را در استودیو و در کنار تهیه کننده‌های برنامه می گذراند تا از میزان انطباق مطالب خود با اصول کار تهیه کنندگی مطلع یابد و با وقوف به میزان پشتوانه علمی و عملی مخاطبان اصلی خود در انتخاب موسیقی، از کلی گویی و تکرار بدیهیات و مطالب کلیشه-

برای هر نویسنده بسیار حائز اهمیت است که در نخستین گام برای جذب مخاطب به گونه‌ای بنویسد که به خواننده احساس توهین به فهم و درک و دانش خود دست ندهد. علاوه بر این، نویسنده برای جلب احترام و توجه مقابل خواننده، به ویژه در هنگام بیان مطالب علمی، به شدت نیازمند قراردادن خود در جایگاه خواننده است و در این مورد خاص که مخاطبان اصلی مقاله، تهیه کننده‌های برنامه‌های رادیو هستند، نویسنده لائق می باید در مدت تلاش برای نگارش مقاله خود ساعتی را در استودیو و در کنار تهیه کننده‌های برنامه می گذراند تا از میزان انطباق مطالب خود با اصول کار تهیه کنندگی مطلع یابد و با وقوف به میزان پشتوانه علمی و عملی مخاطبان اصلی خود در انتخاب موسیقی، از کلی گویی و تکرار بدیهیات و مطالب کلیشه-

ای و به کار بردن جملات اندرز گونه بپرهیزد. به ویژه یادآوری این نکته ضروری است که در مقالات تخصصی باید از به کار بردن جملات اندرز گونه و بخشنامه‌ای به جای توصیه‌های روشن و قابل نقد علمی، پرهیز کرد و با پایان دقیق مطالب، فرصت و اختیار نتیجه گیری را به مخاطب سپرد.



عبور از مرزهای کلیشه ای

و اما سومین متن مورد نظر لفظاً به چون موسیقی بده گزارشی از راه اندازی و رادیو جوان در دهه ۷۰- حدود هشت سال پیش - است. این گزارش در عین حال بر دو نکته تأکید می کند، نکته اول، تکرار نام با عنوان مخاطب (جوان، کارگر، معلم و...) در اول یا آخر جملات کاملاً معمولی و کلی در برقراری رابطه با مخاطبان خاص مؤثر نیست و فراتر از این، افراط در تکرار نام با عنوان مخاطب موجب بی حوصلگی شنونده و انصراف او از ادامه همراهی با رسانه می شود.

نکته دوم: نیاز جوانان به موسیقی باید مورد توجه ویژه و رادیو جوان قرار گیرد.

نویسنده یادآوری مطلب یا نکته اول را ظاهر آجائز اهمیت و فوریت کمتری در مقایسه با نکته دوم یعنی ضرورت تأکید بر نیاز جوانان به موسیقی می داند و از این رو می گوید نوشته خود را با تأکید بر همین نکته به پایان برده اما در هیچ یک از این موارد تلاش او از انتقاد کلی و تعمیم یک خاطره فراتر نمی رود. در بسیاری از موارد گفتن «چگونه نباید کرده بسیار آسانتر از گفتن «چگونه باید کرده است» و اکتفا به بیان «چگونه نباید کرده‌ها» ناتوانی فکری، تبیلی یا ترس گوینده و نویسنده را از ورود به حرم «چگونه باید کرده‌ها» آشکار می کند.

نوشتن در یک نشریه تخصصی، مستلزم کنار گذاشتن تبیلی ذهنی، روی آوردن به جست و جویگری، افزودن بر دانش و بینش خود و به خرج دادن جرئت لازم در عبور از مرزهای کلیشه و بخشنامه است. بخشنامه‌ها و ملاحظاتی در طول عمر رادیو، همه نباید ها را گفته اند و از قضا اصرار بر گفتن همین نباید‌هاست که موجب کاهش میل به نوآوری و حتی واقع بینی در رادیو و شنیدن رادیو با مخاطبان، به ویژه مخاطبان خاص، شده است.

اینکه بخش موسیقی باخ یا بهتوون به دنبال مکالمه احساسی، هیجانی و سریع با مخاطب تناسب و ربطی با نام و هدف رادیو جوان ندارد و کمسکی به جذب جوانان نمی کند، نکته تازه‌ای نیست، اما اینکه موسیقی در محور مخاطب جوان صدای جمهوری اسلامی باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد و چگونه باید میان مطالب و موسیقی برنامه هماهنگی ایجاد کرد و چه مدتی از زمان هر برنامه را باید به موسیقی اختصاص داد، مهم است. اینکه در چه زمانی از روز از چه نوع موسیقی باید استفاده کرد و اینکه چه کسی می تواند برای مخاطبان رادیو جوان مطلب و موسیقی مناسب انتخاب کند، مهم است.

نوشتن در یک نشریه تخصصی، مستلزم کنار گذاشتن تبیلی ذهنی، روی آوردن به جست و جویگری، افزودن بر دانش و بینش خود و به خرج دادن جرئت لازم در عبور از مرزهای کلیشه و بخشنامه است

همه این مطالب فر صحت نظریه پردازی را در اختیار مخاطم کاوه و آقایان سیفی و بهبوسته و سایر نویسندگان جوان مجله رادیو قرار می دهد و آنان را از تکرار گفته‌های پیشینیان بی نیاز می کند. در عین حال در مقام نظریه پردازی از این نکته نیز نباید غافل شد که کار تخصصی در شبکه‌ای نظیر رادیو جوان بسیار سخت تر از کار تخصصی در شبکه‌ای نظیر رادیو فرهنگ است. چرا که رادیو فرهنگ با موضوعات بسیار متنوع و از پیش تعریف شده‌ای سروکار دارد که برای پرداختن به هر یک کارشناسانی هر چند متوسط در جامعه حضور دارند. اما رادیو جوان تقریباً در همه عرصه‌های کار خود با تعاریف نه چندان مشخص و مورد تفاهم و تعداد زیاد خط قرمزها و... مواجه است. بررسی این تفاوت می تواند از مبادی ورود نویسنده‌های مجله رادیو به عرصه نظریه پردازی و حداقل طرح سوالات کارشناسانه باشد.



فراخوان بخش پژوهش جشنواره هفتم



دبیر خانه بخش پژوهش هفتمین جشنواره تولیدات رادیویی، در راستای گسترش فرهنگ پژوهش در برنامه سازی و آشناسازی با آخرین یافته های علمی و پژوهشی داخلی و خارجی، انتقال دانسته ها به همکاران، شناخت استعدادها و ایجاد فرصتی برای بروز خلاقیته ها و قابلیت های پژوهشی در میان برنامه سازان، جشنواره پژوهش را هم زمان با هفتمین جشنواره تولیدات رادیویی برگزار می کند.

بخش مسابقه

- ۱- پایان نامه (با محوریت رادیو)
- ۲- پژوهش های برنامه ای (مربوط به سال ۱۳۸۲)
- ۳- فرم طرح و برنامه (طرح های تکمیل شده در فرم مصوب شورای طرح و برنامه معاونت)
- ۴- مقاله

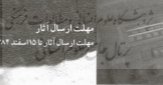
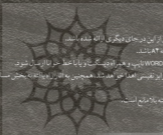
محورهای مقالات

- محدودیت های رادیو و نقش آن در برنامه سازی
- استفاده رادیو از سایر رسانه ها
- رادیو و بحران
- رادیو به عنوان یک شیوه زندگی
- رادیو و هویت اجتماعی
- مخاطب شناسی



یادآوری ها

- مقالات ارسال شده باید پیش از این در جای دیگری ارائه شده باشد.
- مقالات حداکثر ۲۵ صفحه A۴ باشد.
- مقالات ارسال شده در برنامه WORD بایستی همراه دیجیتال یا با خط خوانا ارسال شود.
- به برنده های مسابقات جوایز نفیسی اهدا خواهد شد. همچنین به آثار برنده بخش مسابقه آثار منتخب هیئت انتخاب آثار نیز جوایزی اهدا خواهد شد.
- شرکت در مسابقات رایگ و رشته بلا مانع است.



هیئت آرسال آثار
مهلل آرسال آثار تا ۱۵ اسفند ۱۳۸۲

آدرس: خیابان ولی عصر (عج)، خیابان جام جم - سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران
ساختمان شهدای رادیو - طبقه پنجم - دفتر پژوهش های رادیو
تلفن های تماس: ۲۲۰۵۳۲۰۲ - ۲۲۱۶۷۷۰۸ - ۲۲۱۶۷۷۱۵ و ۲۲۱۶۷۷۱۵

رادیو